



جواد صبوحی

پای صحبت همسر مرحوم رضا مقدسی، عضو سابق هیئت تحریریه قدس

از دوره‌ای که در روزنامه بود با افتخار یاد می‌کرد

یاد حضور و همراهی با آدم‌های خوب، درست مثل بوی خوش عطری که با خاطره‌های ناب در جایی گره خورده، سال‌ها در ذهن می‌ماند؛ سال‌های سال هم که بگذرد، باز هم هر از گاه با تکرار نامشان، گویی دوباره شمیم حضورشان مشامتان را نوازش می‌دهد. تکرار نام حاج رضا مقدسی برای خیلی‌ها مثل ما که او را می‌شناخیم، عین تکرار همان عطر ناب، شیشه احساس با او بودن را در وجودمان پر می‌کند. با این حال وقتی خانم معصومه سادات معصومی از رضا می‌گوید باز هم حسرت لحظه‌های دور ماندن از او را می‌خوریم. گفت‌وگوی ما را با همسر محترم حاج رضا که بخوانید شاید این حس برای شما هم تداعی شود.

● خانم معصومی، از نحوه آشنایی‌تان با حاج رضا مقدسی و ازدواجتان بر ایمان بگوئید.

اواخر سال ۷۵ پس از اینکه ایشان روزنامه قدس دفتر تهران را افتتاح کرد؛ به‌عنوان خبرنگار بخش سیاسی وارد این مجموعه شدم و مدتی بعد به روزنامه دیگری رفتم. اوایل تابستان ۷۷ از طریق واسطه‌ای تقاضای ازدواج را مطرح کردند و مراسم‌ها به‌صورت سنتی و ساده برگزار شد و خدا را شکر این ازدواج منشأ خیر و برکات فراوانی بود از جمله هدیه دو دختر و یک پسر. از ۱۳ بهمن ۹۶ به بعد هم تقدیر خداوند شفا و ماندن را طور دیگری رقم زد. با این همه، حضور معنوی ایشان را در خیلی از موارد تا امروز به‌طور جدی حس می‌کنم.

● اگر بخواهید به مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی آقا رضا در ارتباط با خودتان و خانواده اشاره کنید چه مواردی برایتان ملموس‌تر و به یاد ماندنی‌تر است؟

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که سبب تداوم و پایداری این ازدواج بود، می‌توانم به صداقت و عشق ایشان به خانواده اشاره کنم. البته همه دوستان اذعان دارند ایشان حُسن خلق و شوخ طبعی و بسیاری از اخلاق نیک را داشتند ولی به نظر من بارزترین آن‌ها همین صداقتشان در رفتار و گفتار بود. روحیات خاصی داشتند و همین‌طور که می‌دانید با دوستان زیادی از گروه‌های مختلف فکری و سیاسی ارتباط داشتند و این وسعت دایره دوستان باز هم به صداقت و حُسن برخوردشان برمی‌گشت. همیشه تأکید داشتند نباید به افراد به‌صرف اینکه در فلان جناح سیاسی است سیاه و سفید نگاه کرد. معتقد بودند هر فردی را با توجه به خصوصیات مثبتش ارزیابی کنید، کسی را قضاوت نمی‌کردند؛ با این همه، خط قرمزشان ولایت و رهبری بود و اصلاً با این قضیه شوخی نداشتند؛ کافی بود متوجه زاویه داشتن فردی با رهبری می‌شدند، تا جایی که برایشان مقدور بود روشنگری می‌کردند، تذکر می‌دادند و...!

● از کار در روزنامه قدس و مجموعه منتسب به آستان قدس رضوی به عنوان بخشی از خاطرات حرفه‌ای‌شان چقدر با شما صحبت می‌کردند؟

از دوره‌ای که در روزنامه قدس بودند با افتخار یاد می‌کردند. عرق خاصی به روزنامه داشتند. همیشه مطالب را دنبال و با دقت صفحه‌بندی و... روزنامه را بررسی می‌کردند و تغییرات روزنامه برایشان مهم بود. خوشحال بودند از سنین پایین در روزنامه منتسب به امام رضا (ع) مشغول به کار شده‌اند و با توجه به علاقه زیادی که به رشته روزنامه‌نگاری داشتند تجربیات زیادی کسب کردند و از همه مهم‌تر، تأکید می‌کردند مراحل رشد و ترقی را در روزنامه بدون سفارش و توصیه طی کرده‌اند. به‌شدت پیشرفتشان را مدیون آقا جان امام رضا (ع) می‌دانستند و حتی پس از خداحافظی با روزنامه قدس، ارتقا در کار و... را همچنان از برکات و رحمت حضرت رضا (ع) می‌دانستند.

● نگاه شما به حرفه همسرتان چگونه بود و چقدر در این حرفه همراه هم بودید؟

با توجه به اینکه خودم علاقه‌مند به این رشته و به نوعی همکارشان بودم، خیلی از ایشان یاد گرفتم. در پایان نامه ارشد هر دو از کمک و مشاوره همدیگر

